

نقد و بررسی تعدیل معیشت در اصول دوازده گانه بهائیان

سید مسینعلی موسوی زاده

چکیده

یکی از اصول دوازده گانه بهائیان تعدیل معیشت است که بر اساس آن بهائیت بدون ارائه برنامه‌ی عملی خاص، ادعا دارد که با به کارگیری این شعار تمام گرفتاریهای زندگی حل خواهد شد در حالیکه اسلام، قرن‌ها قبل از بوجود آمدن این مسلک، راهکارهای رسیدن به جامعه‌ی عدالت محور را داده تا در سایه آن، وضعیت معیشتی مردم و امور روزمره‌ی زندگی آنها به راحتی فراهم گردد لذا این تعلیم از ابداعات بهائیان نیست و بر گرفته از دیگران است.

کلید واژه: معیشت، تعدیل، اصول دوازده گانه، اقتصاد، تعلیم

«تعلیم ششم حضرت بهاء الله تعدیل معیشت حیات است یعنی باید قوانین و نظاماتی گذارد که جمیع بشر به راحت زندگانی کنند یعنی هم‌چنان که غنی در قصر خویش راحت دارد و به انواع موائد سفره او مزین است فقیر نیز لانه و آشیانه داشته باشد و گرسنه نماند تا جمیع نوع انسان راحت یابند امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسأله تحقیق نیابد سعادت بر این عالم بشر ممکن نیست»^۱.

و نیز عبدالبهاء ضمن نطقی در پاریس می‌گوید: «... طبقات مختلفند بعضی در نهایت غنا هستند بعضی در نهایت فقر یکی در قصر بسیار عالی منزل دارد یکی سوراخی ندارد یکی انواع اطعام در سفره‌اش حاصل است یکی نان خالی ندارد قوت

۱. عبدالبهاء، خطابات، ج ۲، ص ۱۴۸.

یومی ندارد و لذا اصلاح معیشت از برای بشر لازم، نه آنکه مساوات باشد بلکه اصلاح لازم است و الامساوات ممکن نیست.»
 عبدالبهاء در لوح اقتصاد می گوید: «این مسأله اقتصادی جز به موجب این تعالیم حل تام نیابد بلکه ممتنع و محال است...»^۱
 بهاء الله می گوید: باید قوانین و نظاماتی گذارد که بشر به راحتی زندگی کند. احمد یزدانی در کتاب نظر اجمالی در دیانت بهایی این قوانین را چنین ذکر نموده است:

الف) وجوب شرعی کار یعنی کسب و شغل برای عموم به استثنای عجزه
 ب) حرمت تکدی و حرمت عطای بمتکدی و اعاشه عجزه بوسیله بیوت عدل
 ج) تشویق به اشتغال به امور عام المنفعه مثل صنعت خصوصاً زراعت و فلاحت و شروع به اصلاحات اقتصادی از قراء و زارعین.^۲

نقد و بررسی

دین اسلام برای تمام جنبه‌های زندگی انسان برنامه مشخصی ارائه کرده است؛ تعالیم اسلام هم زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی انسان را پوشش می‌دهد. از عالی‌ترین برنامه‌هایی که دین مبین اسلام ارائه کرده ایجاد عدالت اجتماعی است و از جمله مقولات عدالت اجتماعی تعدیل معیشت اقتصادی مردم و جامعه است. منظور از تعدیل ثروت این است که ثروت به صورت عادلانه در میان قشرهای گوناگون جامعه توزیع شود یعنی نباید در دست گروه ویژه‌ای در گردش باشد.
 قرآن کریم این مفهوم را با این عبارت بیان می‌فرماید:
 (كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ)؛^۳ «تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما

۱. احمد یزدانی نظر اجمالی در دیانت بهائی، ص ۴۵.

۲. احمد یزدانی، نظر اجمالی در دیانت بهایی، ص ۴۵، سال ۱۰۷ بدیع مطابق ۱۳۲۹ شمسی.

۳. حشر: ۷.

دست به دست نگردد.»

این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می کند و آن اینکه جهت گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به «مالکیت خصوصی» برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال و ثروت ها متمرکز در دست گروهی محدود نشود که پیوسته در میان آنها دست به دست بگردد.

البته این به آن معنی نیست که ما پیش خود قوانین وضع کنیم و ثروت ها را از گروهی بگیریم و به گروه دیگری بدهیم بلکه منظور این است که اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و همچنین مالیتهایی همچون خمس و زکات و خراج و غیر آن و احکام بیت المال و انفال درست پیاده شود خود به خود چنین نتیجه ای را خواهد داد که در عین احترام به تلاشهای فردی، مصالح جمع تأمین خواهد شد، و از دو قطبی شدن جامعه (اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) جلوگیری می کند.^۱

دین مبین اسلام برای رسیدن به این هدف راهکارهایی ارائه داده است.

راهکارهای تعدیل ثروت در اسلام

الف) راهکارهای فرهنگی و اعتقادی

اسلام در این حوزه زیر بناهای فکری، فرهنگی و اعتقادی اعضای جامعه را به گونه ای شکل می دهد که زمینه پایه گذاری بسیاری از احکام و قوانین اقتصادی برای تعدیل ثروت آماده شود به همین منظور به پاره ای از راهکارهای فرهنگی و عقیدتی اسلام برای رسیدن به هدف تعدیل ثروت در جامعه اشاره می کنیم.

نخست این که اصل برقراری پیوند میان اقتصاد و اخلاق از سوی اسلام سبب می شود تا مواردی همچون انفاق، صدقه، وقف، قرض الحسنه، ایثار و بسیاری از

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۰۷.

فعالیت‌های اقتصادی دیگر از این قبیل معنی پیدا کند و تشویق اسلام به این گونه امور کارساز شود از سوی دیگر افراد جامعه داوطلبانه و با انگیزه الهی، فقیران و نیازمندان را در ثروت خود شریک کنند.

ب) راهکارهای اقتصادی

در معارف قرآن ضمن پذیرش و احترام به مالکیت خصوصی، به گونه‌ای برنامه‌های اقتصادی تنظیم و تدبیر شده است که ثروت بین افراد و طبقات مختلف تعدیل گردد و ثروت‌ها و امکانات در دست گروهی محدود متمرکز نگردد لذا در عین حالی که می‌گوید هر کس به میزان رنج و زحمتی که متحمل می‌تواند از منافع آن بهره‌مند گردد. اما جلوی ثروت‌های باد آورده را هم می‌گیرد. احکام اقتصادی و احکام معاملات اسلامی در حقیقت، اصلاح مناسبات اقتصادی و تعدیل ثروت را تضمین می‌کند که آیات فراوانی به بیان آن می‌پردازد. اینک به بیان بعضی احکام و آیات الهی برای تعدیل ثروت و عدالت اقتصادی می‌پردازیم.

۱- حرمت ربا و تنظیم نظام پولی:

تبادل و عدالت اقتصادی وقتی تحقق می‌یابد که از شکل‌گیری عوامل جمع شدن پول و ثروت در دست ثروتمندان و توانگران جلوگیری شود.

حرمت ربا به معنای تعدیل رشد پول‌های انباشته شده و جلوگیری از جریان یافتن آن در مسیر «عدم تعادل‌های اقتصادی» و «تعادل‌های بدون عدالت» است. قرآن کریم حرمت ربا را با توجه به آموزه‌های اخروی، چنین بیان می‌فرماید: (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...)

«کسانی که ربا می‌خورند، «در قیامت» بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان، دیوانه شده و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی به پا می‌خیزد این بخاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند

رباست در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام کرده»

۲- تحریم احتکار و تعدیل در گردش درآمد و ثروت:

اسلام، ضمن احترام به مالکیت خصوصی و ترغیب به تلاش برای بدست آوردن مال از طریق حلال با دو قطبی شدن مطلق جامعه و ثروت اندوزهای فراوان، موافق نیست. اصولاً در مجموعه معارف اسلامی، امور بدان گونه طراحی شده است که اگر کسی نخواهد صددرصد تمام مبادی حلال و حرام شرعی را رعایت کند و به همه امور اخلاقی پایبند باشد و مالیات‌های شرعی را رعایت کند، توصیه‌های اسلام را در جهت مصرف و هزینه مال بکار گیرد، هرگز ثروت‌های باد آورده فراوان سبب مفاسد اجتماعی و اقتصادی نخواهد شد. «اسلام، احتکار ثروت و اکتناز مال و ذخیره کردن آن را ممنوع می‌داند و این عمل را به منزله خبط خون در رگهای بدن که سبب فلج شدن سایر اعضا می‌گردد، تلقی می‌کند. لذا جریان و حرکت آن را لازم می‌شمارد.»^۱

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «این قرآن است که وادار کرد پیامبر اسلام، با این سرمایه‌دارها دائماً در جنگ باشد؛^۲ «از بدو بعثت تا آخر»، پیامبر (اسلام) با قدرت‌ها، غدارها، ملک‌دارها و سرمایه‌دارها همیشه در جدال بود.»^۳

۳- انفاق و تکلیف توانگران به رفع نیاز نیازمندان

قرآن کریم درباره نشانه‌های پرهیزکاران می‌فرماید:
(وَقِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُوْمِ)؛^۴ «و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم

بود»

۱. ولایت فقیه، جوادی آملی، ص ۱۰۸.

۲. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۷.

۴. ذاریات: ۱۹.

امام علی علیه السلام می فرماید: «همانا خدای سبحان می فرماید: روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است. پس فقیری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند متعال از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید»^۱.

۴- تعدیل ثروت از راه ترویج روحیه نشاط کاری و همت برای تولید.

برای اینکه جامعه از مرز فقر به نقطه تعدیل ثروت، اعتدال و تسلط مالی نزدیک شود باید فرهنگ و روحیه تلاش سالم و سازنده برای کسب دارایی های حلال در جامعه ترویج گردد.

فرهنگ غنی اسلام و روح تعالیم اهل بیت علیهم السلام مملو از پیامهایی در جهت ایجاد همت های بلند برای ساختن یک اقتصاد سالم و بالنده است. اقتصادی که مبتنی بر تولید، نه ثروت اندوزی باشد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لا تکسلوا فی طلب معاشکم»^۲؛ «در طلب معیشت خود تنبلی نکنید».

و هم چنین در مورد دیگر می فرماید: «انی لاحب ان اری الرجل متحرفاً فی طلب الرزق»^۳

خداوند متعال در قرآن کریم استفاده از طیبات دنیا را برای صالحین مطلوب داشته و به مردم برای تأمین معاش تمکن داده است. چنانکه می فرماید: (وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ)^۴ «ما شما را در زمین تمکین داده و برای شما معیشت مقرر نمودیم».

۵- تحریم اسراف و تنظیم الگوی مصرف

قرآن کریم در این باره می فرماید:

۱. نهج البلاغه، ص ۷۰۸، حکمت ۳۲۸.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۷.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴. اعراف / ۱۰.

۱-۵. (وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)^۱؛ «و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد».

۲-۵. (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)^۲؛ «از نعمت‌های الهی، بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد».

۳-۵. (إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا)^۳ «تبذیر کنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود.».

۴-۵. (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا)^۴؛ «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری؛ بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند».

راهکارهای دیگر اقتصادی برای تعدیل ثروت و رفع فقر از جامعه مانند کار و تلاش و انگیزه‌های اخروی، آموزه‌های معنوی، اخروی و رشد اقتصادی، احترام به اموال دیگران و امنیت اقتصادی، فسادگریزی و حرمت اتراف^۵ وجود دارد که به علت طولانی شدن بحث از توضیحات آن صرف نظر می‌نمایم.

ج) راهکارهای سیاسی

از جمله تدابیری که اسلام در حوزه سیاست برای تعدیل ثروت اندیشیده، این است که دولتمردان و رجال سیاسی را مکلف به ساده‌زیستی و همزیستی با محرومان کرده است تا از این رهگذر، زمینه اساسی برای تعدیل ثروت برقرار شود. در چنین حالتی، حاکم اسلامی، فقر و نبود امکانات رفاهی بینوایان را حس می‌کند و به فکر محرومان جامعه خواهد بود. پس تلاش خود را برای تعدیل ثروت و توزیع مناسب

۱. انعام: ۱۴۱.

۲. اعراف: ۳۱.

۳. اسراء: ۲۷.

۴. فرقان: ۶۷.

۵. تباه کردن مال.

آن در جامعه به کار خواهد بست.

در قرآن کریم، زیستن با توده‌های محروم و زندگی در سطح طبقه فقیر و دوری از ثروتمندان از خدا بی‌خبر بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه آله وسلم) به عنوان حاکم جامعه اسلامی تکلیف شده است.

(وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا)^۱

«خود را وادار تا با کسانی که بامداد و شامگاه پروردگار خویش را می‌خوانند و رضای او را می‌جویند، زندگی کنی و از آنان چشم برمگیر و از کسی که دل او را از یاد خویش غافل کرده‌ایم و او پیرو هوس خودش شده است و کارش زیاده‌روی است، پیروی مکن»

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند، مرا برای خلق خود امام قرار داد. پس بر من واجب ساخت که درباره خودم و خوردنی و نوشیدنی‌ام و لباس اندازه‌ای - همچون ناتوان‌ترین مردان - نگاه دارم تا فقیر به فقر من اقتدا کند و ثروتمند به طغیان برنخیزد»

بنابراین، اسلام از حاکمان خواسته است تا هم سطح محرومان جامعه زندگی کنند و از اشرافی‌گری پرهیزند و این گونه، زمینه فکری و عملی تعدیل ثروت از طریق حاکمان و مسئولان را فراهم می‌آورد. در این صورت مسئولان هم به فکر محرومان جامعه و رسیدگی به حال آن‌ها خواهند بود و در عمل سیاست‌هایی را در پیش می‌گیرند تا سبب انباشت ثروت در دست گروهی خاص نشود بلکه باعث تعدیل ثروت ثروتمندان و تأمین اجتماعی نیازمندان گردد.

پیداست که حاکمان بایستی هم خود از اشرافیت پرهیزند و هم زیردستان خود را از این کار بر حذر دارند. آنان باید با نظارتی دقیق، از

خطای مسؤلان جلوگیری کنند.

همچنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام ناظران و گزارشگرانی داشت که وضعیت والیان حضرت را به ایشان گزارش می دادند اگر تخلفی صورت می گرفت حضرت به تندی با فرد متخلف برخورد می کرد و به وی هشدار می داد و در مواردی هم او را عزل می کرد.^۱

نقد و بررسی

شرح تعدیل معیشت را که بهائیان آنرا طرحی نو و بدیع می شمارند و به آن افتخار می نمایند و آن را از ابتکارات میرزا بهاء می دانند و معتقدند که در این طرح، ثروت ملتها، به کلیه عالم تعلق دارد و باید بین غنی و فقیر توزیع عادلانه شود. خود، یکی از نقض کنندگان این طرح می باشند و سران این فرقه، ربا را که یکی از اصول حرام و باعث ازدیاد ثروت در دست عده ای می شود و عده ای دیگر را هر روز فقیرتر می کند، حلال دانسته است که ما در این جا به آن اشاره می نماییم. احمد یزدانی در کتاب مبادی روحانی چنین می گوید:

حلیت ربح نقود

ربح وجوه که سابقاً در دوره اسلام حرام بوده در این عصر بواسطه اقدامات مهمه اقتصادی و تشکیل شرکت ها و بانک ها و احتیاج و انتفاع زیاد از سرمایه هائی که به جریان معاملات صنعتی و فلاحتی و تجارتی گذاشته می شود بنا به اقتضای زمان مباح شده است. حضرت بهاء الله در این باب در آخر لوح اشراقات می فرماید: «اینکه سؤال از منافع و ربح ذهب و فضه شده بود...»

اکثری از ناس محتاج به این فقره مشاهده می شوند چه اگر رنجی در میان نباشد امور معطل و معوق خواهند ماند نفسی که موفق شود با هم جنس خود و یا هموطن

۱. نهج البلاغه، نامه های ۴۰ - ۴۱ و ۴۵.

خود و یا برادر خود مدارا نماید و یا مراعات کند یعنی به دادن قرض الحسنه کمیابست لذا فضلا علی العباد ربا را مثل معاملات دیگر که ما بین ناس متداول است فراهم فرمودیم یعنی ربح نقود از این حیث که این حکم مهیمن از سماء مشیت نازل شد حلال و طیب و طاهر است تا اهل ارض به کمال روح و ریحان و فرح و انبساط به ذکر محبوب عالمیان مشغول باشند. «انه کیف یشاء واحل الربا کما حرمه من قبل...» علمای ایران اکثری به صد هزار حيله و خدعه به اکل ربا مشغول بودند و لکن ظاهر آن را به گمان خود به طراز حلیت آراسته نمودند - و لکن باید این امر به اعتدال و انصاف واقع شود قلم اعلی در تحدید آن توقف نموده کلمه «من عنده وسعة لعباده و نوصی اولیاء الله بالعدل والانصاف....»

ولکن اجرای این امور به رجال بیت العدل محول شده تا به مقتضیات وقت و حکمت عمل نمایند.^۱

پس با توجه به نصوص موجود در کتب بهائیت، بهائیان نمی توانند مدعی چنین طرحی باشند زیرا از این طرح به عنوان یک شعار تبلیغاتی جهت جذب افراد غیر بهایی استفاده می کنند و با وجود شعار مبارزه با سرمایه داری و جلوگیری تراکم سرمایه، سران بهائیت تبدیل به سرمایه دار و تراست های اقتصادی در ایران و دنیا شده اند که برای نمونه به یک مورد اشاره می شود.

محاسبه ثروت و دارائی شخصی شوقی افندی رهبر سوم فرقه بهائیت به هنگام مرگ در ایران ۱۲/۴۵۴/۰۱۲/۴۳۳/۰۲/۹۶۷ ریال محاسبه و اعلام شد.^۲ پس سران بهائیت، شعار تعدیل معیشت و توزیع ثروت را رعایت نمایند تا درسی باشد برای پیروان آنها تا این شعار تبلیغاتی را به رخ دیگران نکشند. چون خود را طراح و مبدع طرح تعدیل معیشت اقتصادی می دانند و آنرا از ابتکارات میرزا بهاء می شمارند. اما اسلام برای همه ابعاد جوامع بشری نسبت به مقوله تعدیل معیشت و توزیع ثروت نگاهی وسیع و

۱. مبادی روحانی، احمد یزدانی، ص ۱۳۷ - ۱۳۶ لجنه ملی نشر آثار امری، طهران ایران، سنه ۱۰۴ بدیع.

۲. انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی افندی، اسماعیل رائین، ص ۳۲۵.

همه جانبه دارد و نظریات، راهبردها و رهیافت‌های اقتصادی آن نیز برای حل مسائل بشری از متین‌ترین و معتدل‌ترین نظریات می‌باشد و در این راستا مسأله تعدیل ثروت برای برقراری عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصاد اسلامی می‌باشد که در تبیین ابعاد مسأله تعدیل ثروت و راهکارهای تحقق آن در جامعه اسلامی در این متن به طور مختصر به آن پرداخته شد لکن چون دامنه بحث بسیار گسترده می‌باشد به همین اندازه بسنده می‌شود.

منابع:

۱. افندی، عباس، خطابات، به همت فرج الله زکی الکردی، چاپ اول مصر ۱۳۴۰ هـ. ۱۹۲۱ م
۲. نهج البلاغه دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام.
۳. یزدانی، احمد، نظر اجمالی در دیانت بهائی، لجنه ملی نشریات امری ۱۰۷ بدیع، ۱۳۲۹ شمسی.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۷۴ ش
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، موسوعه روایات، ناشر: اسلامیة، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۶۲ ش، نوبت چاپ: دوم
۶. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، مرکز نشر اسراء.
۷. رائین اسماعیل، انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی افندی، ناشر موسسه تحقیقی رائین چاپ مرو.